

Submit Date: 22 December 2025

Revise Date: 16 April 2026

Accept Date: 25 April 2026

Initial Publish: 15 June 2026

Final Publish: 22 June 2027

The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law

Redefining the Principle of the Physical Presence in Criminal Proceedings in Light of the Transformation toward Digital Proceedings and Virtual Courts

Ebrahim Karimi Monjarmoei¹, Mahmud Ghayomzadeh Kharanghi^{2*}, Fazel Fazeli Davoud³

1. Department of Theology and Islamic Studies, Khom.C., Islamic Azad University, Khomein, Iran

2. Department of Studies and Law, Sav.C., Islamic Azad University, Saveh, Iran

3. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Law, Ar.C., Islamic Azad University, Arak, Iran

* Corresponding Author's Email: maaref@iau-saveh.ac.ir

ABSTRACT

The principle of the physical presence in criminal proceedings, as one of the fundamental pillars of the judicial system, guarantees justice, transparency, and the possibility of effective defense for the accused, and plays a key role in fostering public trust in the judiciary. This principle has been emphasized in Iran's domestic laws as well as in international human rights instruments, including the International Covenant on Civil and Political Rights and the European Convention on Human Rights. With the expansion of digital technologies and the emergence of virtual courts, the traditional concept of physical presence in proceedings has encountered serious challenges, making its redefinition necessary in order to align with contemporary legal and technological developments. The necessity of this research arises from the fact that digital proceedings and virtual courts, despite offering numerous advantages such as saving time and costs, facilitating access to justice, and reducing case backlogs, raise important questions regarding the protection of the defendant's defense rights, the evaluation of evidence and the conduct of parties, as well as the preservation of data security and confidentiality. Accordingly, redefining the principles and frameworks of physical presence in proceedings to adapt to modern technologies is essential. The objective of this study is to analyze the philosophy and foundations of the principle of physical presence in criminal proceedings and to propose a legal framework for its redefinition in the era of digital proceedings and virtual courts. This study adopts an analytical-theoretical approach and, through the examination of domestic laws, explores the transformation of digital proceedings and its implications for the rights of the accused, the complainant, and the judicial system. The findings indicate that digital proceedings not only do not pose a threat to the principle of physical presence, but, by adhering to legal principles such as the protection of defense rights, enabling direct digital interaction, ensuring judicial transparency, and maintaining data security, can strengthen this principle in a novel manner consistent with technological advancements.

Keywords: *Criminal proceedings, physical presence in proceedings, virtual court, digital proceedings.*

How to cite: Karimi Monjarmoei, E., Ghayomzadeh Kharanghi, M., & Fazeli Davoud, F. (2027). Redefining the Principle of the Physical Presence in Criminal Proceedings in Light of the Transformation toward Digital Proceedings and Virtual Courts. *The Encyclopedia of Comparative Jurisprudence and Law*, 5(2), 1-21.



تاریخ ارسال: ۱ دی ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۷ فروردین ۱۴۰۵

تاریخ پذیرش: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۵

تاریخ چاپ اولیه: ۲۵ خرداد ۱۴۰۵

تاریخ چاپ نهایی: ۱ تیر ۱۴۰۶

دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی

باز تعریف اصل حضوری بودن دادرسی کیفری در پرتو تحول دادرسی‌های دیجیتال و دادگاه‌های مجازی

ابراهیم کریمی منجرمویی^۱، محمود قیوم زاده خرانقی^{۲*}، فاضل فاضلی داود^۳

۱. گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد خمین، دانشگاه آزاد اسلامی، خمین، ایران

۲. گروه معارف و حقوق، واحد ساوه، دانشگاه آزاد اسلامی، ساوه، ایران

۳. گروه فقه و مبانی حقوق، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

* پست الکترونیک نویسنده مسئول: maaref@iau-saveh.ac.ir

چکیده

اصل حضوری بودن دادرسی کیفری به عنوان یکی از ارکان بنیادین نظام قضایی، تضمین‌کننده عدالت، شفافیت و امکان دفاع مؤثر متهم است و نقش کلیدی در اعتماد عمومی به دستگاه قضایی دارد. این اصل در قوانین داخلی ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، مورد تأکید قرار گرفته است. با گسترش فناوری‌های دیجیتال و ظهور دادگاه‌های مجازی، مفهوم سنتی حضوری بودن دادرسی با چالش‌های جدی مواجه شده و ضرورت بازتعریف آن به منظور همگام‌سازی با تحولات نوین حقوقی و فناورانه احساس می‌شود. ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی، هرچند مزایای متعددی همچون صرفه‌جویی در زمان و هزینه، دسترسی آسان به عدالت و کاهش تراکم پرونده‌ها را فراهم می‌آورند، اما پرسش‌های مهمی درباره تضمین حقوق دفاعی متهم، ارزیابی شواهد و رفتار طرفین و حفظ امنیت و محرمانگی اطلاعات مطرح می‌کنند. از این رو، بازتعریف اصول و چارچوب‌های حضوری بودن دادرسی برای انطباق با فناوری‌های نوین ضروری است. هدف این پژوهش، تحلیل فلسفه و مبانی اصل حضوری بودن دادرسی کیفری و ارائه چارچوبی حقوقی برای بازتعریف آن در عصر دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی است. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-نظری و بهره‌گیری از بررسی قوانین داخلی تحول دادرسی دیجیتال و پیامدهای آن بر حقوق متهم، شاکي و نظام قضایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دادرسی دیجیتال نه تنها تهدیدی برای اصل حضوری بودن نیست، بلکه با رعایت اصول حقوقی از جمله حفظ حقوق دفاعی، امکان تعامل مستقیم دیجیتال، شفافیت قضایی و امنیت داده‌ها، می‌تواند این اصل را به شکلی نوین و متناسب با تحولات فناوری تقویت کند.

کلیدواژه‌گان: دادرسی کیفری، حضوری بودن دادرسی، دادگاه مجازی، دادرسی دیجیتال.

نحوه استناددهی: کریمی منجرمویی، ابراهیم، قیوم زاده خرانقی، محمود، و فاضلی داود، فاضل. (۱۴۰۶). باز تعریف اصل حضوری بودن دادرسی کیفری در پرتو تحول دادرسی‌های دیجیتال و دادگاه‌های مجازی. *دانشنامه فقه و حقوق تطبیقی*، ۵(۲)، ۱-۲۱.



مقدمه

اصل حضوری بودن دادرسی کیفری یکی از ارکان بنیادین نظام قضایی است که نقش محوری در تحقق عدالت، شفافیت و رعایت حقوق اساسی طرفین پرونده دارد. این اصل، به معنای حضور فیزیکی متهم، شاکی و قاضی در جریان رسیدگی‌های قضایی است و به منظور تضمین امکان دفاع مؤثر متهم، ارزیابی مستقیم شواهد و رفتار طرفین و افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی، در قوانین داخلی و اسناد بین‌المللی به صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. در ایران، قانون آیین دادرسی کیفری، با پیش‌بینی شرایط و ضوابط حضور طرفین در جلسات دادگاه، ضرورت رعایت این اصل را تثبیت کرده است؛ همچنین، اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، اصل حضوری بودن دادرسی را به عنوان یک استاندارد جهانی برای تضمین عدالت قضایی مطرح می‌کنند. اهمیت این اصل، فراتر از صرفاً الزام قانونی است و با تضمین شفافیت فرآیند قضایی، تقویت اعتماد عمومی و امکان نظارت بر رفتار قضات و طرفین، به عنوان ابزاری برای ارتقای کیفیت دادرسی کیفری شناخته می‌شود (Zeraat & Ahmadi, 2014).

با پیشرفت روزافزون فناوری‌های دیجیتال و توسعه ابزارهای الکترونیکی، ساختار سنتی دادرسی حضوری با چالش‌های بنیادین مواجه شده است. ورود فناوری به نظام قضایی، منجر به شکل‌گیری دادرسی دیجیتال و ایجاد دادگاه‌های مجازی شده است که امکان برگزاری جلسات دادگاه بدون حضور فیزیکی طرفین، ارسال و دریافت مدارک الکترونیکی و تعامل قضایی از راه دور را فراهم می‌کنند. این تحولات، مزایای متعددی از جمله صرفه‌جویی در زمان و هزینه، افزایش دسترسی به عدالت، کاهش تراکم پرونده‌ها و امکان برگزاری جلسات در شرایط بحرانی مانند پاندمی‌ها را به همراه دارند (Nosrati Bigzadeh, 2026).

با این حال، دادرسی دیجیتال هم‌زمان با فرصت‌ها، مجموعه‌ای از چالش‌ها را نیز ایجاد کرده است؛ از جمله تضمین امنیت و محرمانگی اطلاعات، مقابله با سوءاستفاده‌های تکنولوژیک، محدودیت در ارزیابی رفتار غیرکلامی طرفین و نیاز به توسعه زیرساخت‌های فناوری و آموزش تخصصی قضات. این شرایط نشان می‌دهد که مفهوم سنتی «حضوری بودن» صرفاً به حضور فیزیکی محدود نیست و نیازمند بازتعریف جامع و علمی است تا بتواند ضمن حفظ حقوق طرفین، با ظرفیت‌های فناوری نوین همسو گردد.

ضرورت انجام این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که دادرسی دیجیتال، هرچند ابزاری کارآمد برای افزایش بهره‌وری نظام قضایی است، اما بدون چارچوب حقوقی دقیق، می‌تواند زمینه تضییع حقوق دفاعی متهم، اختلال در شفافیت قضایی و کاهش اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را فراهم آورد. بررسی تجارب کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده و انگلیس نشان می‌دهد که ایجاد جلسات ترکیبی، حضور دیجیتال امن و قابلیت استناد مدارک الکترونیکی، امکان حفظ اصل حضوری بودن را به شیوه‌ای نوین فراهم می‌کند و می‌تواند تعادل میان بهره‌وری، دسترسی عادلانه به عدالت و رعایت حقوق اساسی طرفین را برقرار سازد. این تجربیات بین‌المللی، الهام‌بخش تدوین چارچوب‌های قانونی و عملیاتی برای بازتعریف اصل حضوری بودن در کشورهایی است که در حال حرکت به سمت دادرسی دیجیتال هستند (Maghsoudpour & Motaqi Shahri, 2022).

هدف اصلی این پژوهش، بررسی مبانی اصل حضوری بودن دادرسی کیفری و ارائه چارچوبی حقوقی-عملی برای بازتعریف آن در عصر دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی است. این مطالعه با رویکرد تحلیلی-نظری و بهره‌گیری از منابع داخلی، اسناد بین‌المللی، تحولات دادرسی دیجیتال و پیامدهای آن بر حقوق متهم، شاکی و نظام قضایی را مورد بررسی قرار می‌دهد. پژوهش

کامل فراهم نمی‌شود و احتمال خطا در تصمیم‌گیری قضایی افزایش می‌یابد. بنابراین، حضوری بودن دادرسی نه تنها یک الزام حقوقی، بلکه یک ضرورت عملی و اخلاقی برای تحقق عدالت است (Zeraat & Ahmadi, 2014).

حضوری بودن دادرسی از منظر حقوقی به معنای تضمین حقوق اساسی طرفین، به ویژه حق دفاع و دسترسی به عدالت است. فلسفه این اصل بر پایه احترام به شخصیت انسانی و ضرورت شنیده شدن تمامی طرف‌ها استوار است. وقتی طرفین در جلسه حضور دارند، می‌توانند به‌طور مستقیم با قاضی یا هیأت قضایی تعامل داشته باشند، ابهامات موجود در پرونده را روشن کنند و دفاع خود را به شکل مؤثر ارائه دهند. این حضور به‌ویژه در پرونده‌های کیفری اهمیت مضاعف پیدا می‌کند، زیرا جان و آزادی افراد در خطر است و هر تصمیم قضایی می‌تواند تأثیرات عمیق و جبران‌ناپذیری بر زندگی متهمان و شاکیان داشته باشد. حضوری بودن دادرسی همچنین از بروز سوءاستفاده و تصمیمات ناعادلانه جلوگیری می‌کند، زیرا قضاوت می‌تواند رفتار، لحن، حالات چهره و دیگر نشانه‌های غیرکلامی طرفین را مشاهده کرده و در ارزیابی خود لحاظ کند. از این منظر، حضوری بودن دادرسی نه تنها یک ابزار قانونی، بلکه یک تضمین اخلاقی و فلسفی برای تحقق عدالت و جلوگیری از تضييع حقوق است (Zeraat & Ahmadi, 2014).

حضوری بودن دادرسی در عمل چندین کارکرد کلیدی دارد که نقش آن را در تحقق عدالت روشن می‌سازد. نخست، امکان تبادل مستقیم اطلاعات میان قاضی، متهم، شاکی و وکلای آنان فراهم می‌شود و ارتباط بدون واسطه میان طرفین ایجاد می‌گردد. دوم، فرآیند بررسی شواهد و مدارک به شکل دقیق‌تر و موشکافانه‌تری انجام می‌شود؛ زیرا قضاوت قادرند اصالت و صحت مدارک و اعتبار شهود را از نزدیک ارزیابی کنند. سوم، شفافیت و اعتماد عمومی به دستگاه قضایی افزایش می‌یابد، زیرا تصمیمات اتخاذ شده در

حاضر همچنین درصدد است نشان دهد که با طراحی سازوکارهای قانونی مناسب، رعایت اصول حقوق دفاعی، ایجاد امکان تعامل مستقیم دیجیتال و تضمین امنیت و محرمانگی اطلاعات، دادرسی دیجیتال می‌تواند نه تنها تهدیدی برای اصل حضوری بودن نباشد، بلکه آن را در قالبی نوین و مطابق با الزامات عصر فناوری تقویت کند.

نهایتاً آن‌که این تحقیق می‌کوشد تا با ارائه چارچوب علمی و عملی برای بازتعریف اصل حضوری بودن دادرسی کیفری، مسیر تحولی نظام قضایی در مواجهه با فناوری‌های نوین را روشن ساخته و امکان تدوین مقررات و دستورالعمل‌های اجرایی را فراهم آورد که هم عدالت کیفری را تضمین کند و هم بهره‌وری، شفافیت و دسترسی عادلانه به عدالت را ارتقا دهد. چنین رویکردی، علاوه بر پاسخ‌گویی به نیازهای فعلی، زمینه‌ساز توسعه یک نظام قضایی پویا، منعطف و متناسب با الزامات عصر دیجیتال خواهد بود.

۱- حضوری بودن دادرسی کیفری و مبانی حقوقی آن

حضوری بودن دادرسی، به معنای الزام حضور فیزیکی طرفین دعوی، وکلای آنان، قضات و دیگر ذی‌نفعان در جلسه دادگاه است و از اصول بنیادین حقوقی محسوب می‌شود. این اصل در قانون آیین دادرسی مدنی و کیفری اکثر کشورها مورد تأکید قرار گرفته و هدف اصلی آن ایجاد زمینه‌ای برای تحقق عدالت قضایی است. حضوری بودن دادرسی به طرفین این امکان را می‌دهد که دفاعیات خود را به‌طور مستقیم ارائه کنند، نسبت به مدارک و شواهد اعتراض نمایند و پاسخ سؤالات قضایی را شخصاً بیان کنند. حضور در دادگاه، تجربه‌ای مستقیم از فرآیند قضایی برای طرفین ایجاد می‌کند و اجازه نمی‌دهد تصمیمات قضایی صرفاً بر اساس مستندات کتبی یا غیرحضوری اتخاذ شود. علاوه بر این، حضوری بودن دادرسی نشان‌دهنده احترام نظام قضایی به شخصیت انسانی طرفین دعوی و حق آنان برای شنیده شدن است. بدون حضور فیزیکی، امکان ارزیابی رفتار، واکنش‌ها و صداقت طرفین به‌طور

دادگاه‌ها، امکان بهره‌گیری از قضاوت مبتنی بر مشاهده و بررسی مستقیم را افزایش داده و اجرای این اصل را تسهیل کرده است. به عبارت دیگر، قاضی در جریان دادرسی حضوری، نه تنها مستندات پرونده را می‌بیند، بلکه رفتار متهم، شاهدان و اصحاب دعوی را نیز می‌سنجد و این امر به صدور حکم عادلانه و دقیق کمک می‌کند. از طرف دیگر، اصل حضوری بودن دادرسی امکان اعمال کنترل و نظارت بر روند محاکمه را فراهم کرده و هرگونه تصمیم‌گیری خارج از دادگاه را محدود می‌سازد، زیرا قضاوت حضوری، رابطه مستقیم بین قاضی و جریان پرونده را برقرار می‌سازد و مانع برداشت‌های صرفاً نظری یا غیرواقعی از پرونده می‌شود. همچنین، حضور مستقیم طرفین و وکلای آنان در دادگاه، زمینه استماع کامل دفاعیات و ایجاد فرصت برابر برای ابراز دیدگاه‌ها را فراهم می‌آورد و در نتیجه، اجرای عدالت کیفری را به شکل ملموس و محسوس تحقق می‌بخشد. بدین ترتیب، اصل حضوری بودن دادرسی، نه تنها به عنوان یک چارچوب فرآیندی، بلکه به عنوان عامل کلیدی در تضمین دقت، صحت و مشروعیت آراء قضایی اهمیت پیدا کرده است (Zeraat & Ahmadi, 2014).

با توجه به اهمیت اصل حضوری بودن دادرسی کیفری، می‌توان گفت که نقش قاضی در جریان رسیدگی حضوری، نقشی محوری و غیرقابل جایگزینی است. بر اساس اصل ۱۶۳ قانون اساسی، صفات و شرایط قاضی باید مطابق با موازین فقهی تعیین شود و بررسی منابع فقهی نشان می‌دهد فقهای امامیه بر این باورند که اجتهاد و حضور فعال قاضی در مراحل دادرسی از ارکان اساسی تحقق عدالت است. حضور قاضی نه تنها زمینه بررسی دقیق و مشاهده مستقیم رفتارهای طرفین و مستندات را فراهم می‌کند، بلکه امکان تعامل رو در رو با شاکی و متهم و نیز کنترل جریان رسیدگی را به صورت ملموس و دقیق تضمین می‌نماید. بنابراین، اجتهاد قاضی در کنار حضور مستمر و مستقیم او در جلسه

حضور طرفین کمتر محل تفسیر نادرست یا سوءاستفاده است. چهارم، حضوری بودن دادرسی امکان مشاهده واکنش‌های غیرکلامی افراد، مانند اضطراب، صداقت یا مغالطه را فراهم می‌کند که در تصمیم‌گیری قضایی اهمیت بالایی دارد. به همین دلیل، حضوری بودن دادرسی نه تنها به جنبه‌های حقوقی کمک می‌کند، بلکه موجب تقویت فرآیند کشف حقیقت و دقت در تصمیم‌گیری می‌شود. حق دفاع و عدالت قضایی بدون حضوری بودن دادرسی به طور کامل تحقق نمی‌یابد. حضور در جلسه دادگاه به طرفین این امکان را می‌دهد که دفاعیات خود را شخصاً بیان کنند، نسبت به مدارک ارائه‌شده اعتراض کنند و پرسش‌های قضات را پاسخ دهند. این اصل باعث برابری حقوقی میان طرفین می‌شود و مانع از آن می‌گردد که یک طرف بدون فرصت کافی برای دفاع دچار خسارت شود. در پرونده‌های کیفری، حضوری بودن دادرسی اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا جان و آزادی متهم در خطر است و هر تصمیم قضایی ممکن است اثرات طولانی‌مدت و جبران‌ناپذیری داشته باشد. همچنین، حضوری بودن دادرسی موجب می‌شود که قضات تصمیمات خود را با دقت و با در نظر گرفتن تمامی جزئیات پرونده اتخاذ کنند. این امر نه تنها از تضییع حقوق جلوگیری می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی و احساس عدالت را در جامعه افزایش می‌دهد.

پس از انقلاب اسلامی و با ایجاد تحول در نظام قضایی، زمینه‌های اجرای اصولی دادرسی حضوری در محاکم کیفری فراهم شد. اصل حضوری بودن دادرسی، به معنای حضور مستقیم طرفین دعوی و قاضی در جلسات محاکمه است و بر لزوم مشاهده رفتار، شنیدن اظهارات و بررسی شواهد توسط قاضی تأکید دارد. این اصل از این نظر اهمیت دارد که تصمیم‌گیری قضایی را به صورت عینی و مبتنی بر واقعیت‌های موجود در دادگاه ممکن می‌سازد و از تکیه صرف بر اسناد مکتوب یا گزارش‌های غیرحضوری جلوگیری می‌کند. در نظام قضایی پس از انقلاب، حضور قضات مجتهد در

افرادی که دارای مدرک لیسانس قضایی هستند، امکان پذیر شده است. این امر از نظر دادرسی حضوری اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا اصل حضوری بودن دادرسی مستلزم حضور مستقیم قاضی در جریان رسیدگی و مواجهه با طرفین دعوا است و این حضور نیازمند تأمین کافی نیروی انسانی قضایی است. به عبارت دیگر، محدودیت تعداد مجتهدان جامع‌الشرایط، اقتضا می‌کند که برای تضمین اجرای مؤثر اصل حضوری بودن دادرسی کیفری، از قضات دارای صلاحیت قانونی ولی غیرمجتهد نیز استفاده شود، به نحوی که جریان دادرسی متوقف نماند و قاضی بتواند به صورت حضوری و مستقیم نسبت به رسیدگی به پرونده‌ها اقدام نماید.

دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی

۱- چارچوب مفهومی دادرسی دیجیتال

در ادبیات نوین حقوقی، دادرسی دیجیتال به‌عنوان یک پدیده پیچیده و چندلایه تعریف می‌شود که فراتر از ساده‌سازی فرآیندهای قضایی است و به بازآفرینی کل ساختار عدالت کیفری در بستر فناوری اطلاعات و ارتباطات منتهی می‌شود. از منظر آکادمیک، دادرسی دیجیتال را می‌توان به‌عنوان «بهره‌گیری نظام‌مند از ابزارها و فناوری‌های دیجیتال برای انجام اهداف و مراحل رسیدگی قضایی» تعریف کرد که شامل ثبت شکایت، تبادل و مشاهده اسناد، برگزاری جلسات دادرسی، صدور و ابلاغ آرا و فرایندهای اجرایی به‌صورت الکترونیک و از راه دور است. این تحول نه تنها امکان تعامل از راه دور میان قضات، وکلا، شاکیان و متهمان را فراهم می‌سازد، بلکه دلالت بر بازتعریف اصول بنیادین عدالت کیفری مانند «دسترسی به عدالت»، «بی‌طرفی»، «عدالت رویه‌ای» و «شفافیت» نیز دارد. مطالعات علمی نشان می‌دهند که طراحی و اجرای چنین سیستم‌هایی باید با تأکید جدی بر حفظ ارزش‌های حقوق بشری و حقوق اساسی طرفین دعوی صورت پذیرد تا عدالت دیجیتال در عمل با عدالت رویه‌ای و بنیادین تناقض نیابد (Vojdani et al., 2022).

دادرسی، پایه‌ای برای تحقق رسیدگی عادلانه و رعایت حقوق طرفین محسوب می‌شود و اهمیت این اصل در نظام کیفری، نشان‌دهنده ضرورت قضاوت حضوری و مؤثر است (Zeraat & Ahmadi, 2014).

برخی از حقوقدانان معتقدند که اصل حضوری بودن دادرسی کیفری، مبنایی اساسی برای تضمین عدالت و امکان احقاق حقوق طرفین است و در عین حال لازم است با توجه به شرایط و مقتضیات زمان و مکان، مجموعه‌ای از شرایط عملی و رویه‌ای برای اجرای این اصل مدنظر قرار گیرد. از دیدگاه آنان، رعایت حضور فیزیکی متهم، شاکی و دیگر افراد دخیل در دادرسی، امکان مواجهه مستقیم با ادله، شهادت شهود و استماع توضیحات طرفین را فراهم می‌آورد و بدین ترتیب شفافیت و دقت در قضاوت افزایش می‌یابد. این گروه از حقوقدانان بر این باورند که حتی در مواردی که فن‌آوری‌ها و روش‌های غیرحضوری قابلیت‌هایی را ارائه می‌دهند، حضوری بودن دادرسی، تضمین‌کننده تعامل رو در رو و شناخت واقعی قضایی از وضعیت متهم و دلایل طرفین است و تنها از این طریق می‌توان از کیفیت فرآیند قضایی اطمینان حاصل کرد. بنابراین، قاضی باید در اجرای این اصل ضمن توجه به مقتضیات عملی، حفظ حقوق طرفین و رعایت حضور واقعی آنان را محور تصمیم‌گیری‌های خویش قرار دهد، به گونه‌ای که اصل حضوری بودن دادرسی، به‌عنوان سنگ‌بنای فرآیند کیفری، در عمل رعایت شود و امکان برخورد مستقیم و دقیق با موضوعات قضایی فراهم گردد (Zeraat & Ahmadi, 2014).

در این زمینه، قانون‌گذار با پیش‌بینی ماده واحده «قانون شرایط انتخاب قضات دادگستری» ضرورت داشتن اجتهاد برای قضاوت را مورد تأکید قرار داده است، اما هم‌زمان به محدودیت عملی در تعداد مجتهدان جامع‌الشرایط نیز توجه داشته است. از آنجا که تعداد مجتهدان جامع‌الشرایط در دستگاه قضایی بسیار محدود است، استفاده از قضات غیرمجتهد یا مجتهد متجزی و همچنین

مطرح کرده است که نیازمند مطالعه و تنظیم دقیق ضوابط آیین دادرسی و حکمرانی فناوری در دادگاه‌ها است (Zadeh, Hossein Aliaei & Ahmadi, 2018).

دادرسی دیجیتال و دادگاه مجازی را باید به‌عنوان بخشی از تحول گسترده عدالت دیجیتال فهمید که شامل یکپارچه‌سازی فناوری، اصول حقوقی و الزامات انسانی است تا اطمینان حاصل شود که فرآیندهای قضایی الکترونیک نه تنها کارآمدتر و سریع‌تر باشند، بلکه از لحاظ حقوقی معتبر، عادلانه و مشروع نیز باقی بمانند. مطالعات کاربردی و تجربی در این زمینه همچنان در حال گسترش است و نشان می‌دهند که با طراحی مناسب و چارچوب‌های حقوقی تقویت شده می‌توان هم چشم‌انداز عدالت دیجیتال را تحقق بخشید و هم موازین بنیادین عدالت آیینی را حفظ کرد.

۲- ویژگی‌های دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی

یکی از مهم‌ترین و برجسته‌ترین ویژگی‌های دادرسی دیجیتال، قابلیت دسترسی بدون محدودیت مکانی و زمانی است. در سیستم‌های قضایی سنتی، طرفین پرونده، وکلا، کارشناسان و حتی قضات مجبور به حضور فیزیکی در دادگاه هستند و محدودیت‌های جغرافیایی می‌تواند موجب تأخیر در روند رسیدگی و افزایش هزینه‌ها شود (Mohseni, 2016).

در مقابل، دادرسی دیجیتال این محدودیت‌ها را برطرف می‌کند و امکان حضور آنلاین در جلسات دادرسی را فراهم می‌آورد. با اتصال به اینترنت، افراد می‌توانند از هر نقطه‌ای، چه در مرکز شهر و چه در مناطق دورافتاده یا روستاهای کم‌برخوردار، در فرآیند قضایی شرکت کرده و مدارک و مستندات خود را ارائه دهند (Izadifard et al., 2022).

این ویژگی نه تنها موجب صرفه‌جویی قابل توجه در هزینه‌های رفت‌وآمد، اقامت و زمان صرف‌شده می‌شود، بلکه دسترسی به عدالت را برای اقشار اجتماعی محروم و ساکنان مناطق

در سطح مفهومی، دادرسی دیجیتال مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها و ابزارهای فناورانه را شامل می‌شود که از آن جمله می‌توان به پلتفرم‌های آنلاین امن برای ارسال و تبادل مدارک قضایی، سامانه‌های مدیریت پرونده‌های دیجیتال، سرویس‌های ویدئوکنفرانس با امکانات ثبت و ضبط جلسات، احراز هویت دیجیتال، رمزنگاری داده‌ها و سیستم‌های مدیریت دسترسی اشاره کرد. این ابزارها باید به گونه‌ای طراحی شوند که ضمن تسهیل گردش کار قضایی، الزامات محرمانگی، تمامیت و صحت اطلاعات را نیز تأمین کنند؛ زیرا در نبود چنین ضوابط فنی و حقوقی، خطراتی همچون افشای غیرمجاز اطلاعات، تضعیف فرآیندهای رویه‌ای یا فقدان اعتبار ادله الکترونیکی مطرح خواهد شد. مطالعات اخیر نشان داده‌اند که طراحی سامانه‌های دادرسی آنلاین باید بیشتر از بستر صرفاً فناوری، به‌عنوان فضایی برای بازتولید عدالت رویه‌ای نگریسته شود و اصول حقوقی را در هسته خود قرار دهد (Khosh Solouk, 2024).

در این راستا، مفهوم دادگاه مجازی به‌عنوان زیرساخت عملیاتی دادرسی دیجیتال تعریف می‌شود؛ دادگاهی که به‌طور کامل در محیط دیجیتال شکل می‌گیرد و کلیه عملکردهای دادگاه سنتی، اعم از ثبت درخواست، ابلاغ اوراق قضایی، برگزاری جلسات رسیدگی، استماع اظهارات و شهادت‌ها، وصول دلایل و حتی صدور و اجرای آرا را به‌صورت الکترونیک و بدون الزام به حضور فیزیکی انجام می‌دهد.

این بستر مجازی باید بر اساس پروتکل‌های پیشرفته رمزنگاری داده‌ها، سامانه‌های احراز هویت چندعاملی و مدیریت دقیق سطوح دسترسی کاربران تجهیز شود تا امنیت و محرمانگی تحقق یابد و از دسترسی‌های غیرمجاز یا نفوذ سوءاستفاده جلوگیری شود. تکنولوژی در این زمینه نقش تسهیل‌کننده دارد، اما همچنین چالش‌هایی مانند فقدان نشانه‌های نمادین دادرسی سنتی، تأثیر بر درک مشروعیت مراحل قضایی و تأمین بی‌طرفی آنلاین را نیز

در پرونده‌های مشابه را شناسایی کرده و ابزارهایی برای پشتیبانی از تصمیمات قانونی ارائه دهند، بدون آن که استقلال قضات به خطر بیفتد. همچنین، فناوری‌های کمکی دیجیتال می‌توانند در ارتباط با شاهدان، کارشناسان و نهادهای بین‌المللی نیز به کار گرفته شوند و امکان برگزاری جلسات مشترک از راه دور، تبادل مدارک و همکاری چندجانبه را فراهم کنند (Abozari & Shafiei, 2020).

دادرسی دیجیتال با ایجاد شفافیت، دسترسی عادلانه، انعطاف‌پذیری و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، تحولی بنیادین در نظام قضایی ایجاد می‌کند. این سیستم نه تنها فرآیندهای سنتی را بهبود می‌بخشد، بلکه با کاهش موانع جغرافیایی و زمانی، افزایش امنیت مدارک و ارتقای سرعت و دقت رسیدگی، می‌تواند به افزایش اعتماد عمومی به نظام قضایی و تحقق عدالت فراگیر کمک کند. در دنیای امروز، که تحولات فناوری و شرایط بحرانی به شکل مداوم در حال تغییر هستند، دادرسی دیجیتال به عنوان یک راهکار استراتژیک، هوشمند و انسان‌محور، جایگاه ویژه‌ای در آینده عدالت دارد.

۳- مزایای دادرسی دیجیتال و دادگاه‌های مجازی

یکی از برجسته‌ترین مزایای دادرسی دیجیتال، صرفه‌جویی اقتصادی بسیار گسترده و چندسطحی است که تأثیر مستقیمی بر بودجه و منابع نظام قضایی دارد. در نظام‌های قضایی سنتی، هزینه‌های ناشی از رفت‌وآمد مکرر طرفین دعوا، وکلا، کارشناسان و قضات به دادگاه‌ها، از یک سو فشار مالی قابل توجهی بر افراد وارد می‌کند و از سوی دیگر منابع انسانی و مالی دادگاه‌ها را درگیر می‌سازد. علاوه بر این، نگهداری پرونده‌ها به صورت فیزیکی شامل اجاره و تجهیز سالن‌های دادگاه، هزینه‌های اداری، پرسنلی و نگهداری اسناد و مدارک می‌شود که بخش قابل توجهی از بودجه عمومی را به خود اختصاص می‌دهد (Gharehbagh, 2021).

کم‌برخوردار افزایش می‌دهد و به تحقق اصل عدالت اجتماعی و حقوق برابر کمک می‌کند.

افزون بر این، امکان ضبط دیجیتال جلسات و آرشیو مدارک، موجب شفافیت بیشتر در فرآیندهای قضایی شده و احتمال گم شدن، دستکاری یا سوءاستفاده از مدارک را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. در سیستم‌های سنتی، مدیریت و نگهداری مدارک به صورت فیزیکی همواره با خطرات انسانی و لجستیکی همراه است، اما آرشیو دیجیتال، امکان جستجوی سریع، بازیابی آسان و امنیت بیشتر داده‌ها را فراهم می‌کند.

ویژگی دیگری که دادرسی دیجیتال را متمایز می‌کند، قابلیت انطباق سریع با شرایط اضطراری و بحرانی است. بحران‌هایی مانند پاندمی‌ها، بلایای طبیعی، جنگ‌ها یا محدودیت‌های جغرافیایی می‌توانند عملکرد نظام قضایی سنتی را مختل کرده و موجب انباشت پرونده‌ها و طولانی شدن زمان رسیدگی شوند. در چنین شرایطی، دادگاه‌های مجازی می‌توانند بدون وقفه و با کمترین اختلال، فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها را ادامه دهند. این ویژگی، اهمیت دادرسی دیجیتال را در حفظ استمرار عدالت و جلوگیری از ایجاد خلأ قضایی در شرایط غیرقابل پیش‌بینی نشان می‌دهد و به کاهش فشار بر دادگاه‌های سنتی و پیشگیری از تراکم پرونده‌ها کمک می‌کند (Ebrahimi, 2016).

علاوه بر این، دادرسی دیجیتال امکان بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته مانند هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها و سیستم‌های مدیریت پرونده هوشمند را فراهم می‌آورد. با استفاده از هوش مصنوعی، می‌توان روند پرونده‌ها را مدیریت کرده، داده‌های قضایی را تحلیل نمود و حتی پیش‌بینی‌هایی درباره مدت زمان رسیدگی یا نتایج احتمالی پرونده‌ها ارائه داد. این قابلیت می‌تواند در بهبود کارایی قضایی، کاهش خطاهای انسانی، تسریع فرآیندهای دادرسی و افزایش دقت تصمیم‌گیری نقش مهمی ایفا کند. به عنوان مثال، الگوریتم‌های هوش مصنوعی قادرند الگوهای تصمیم‌گیری قضات

فرصت برابر برای استفاده از سیستم قضایی می‌دهد. تجربه کشورهای دیگری که دادرسی دیجیتال را پیاده کرده‌اند نشان می‌دهد که این روش می‌تواند شکاف‌های عدالت اجتماعی را کاهش دهد و اعتماد عمومی به نظام قضایی را افزایش دهد، زیرا شهروندان احساس می‌کنند که حقوق آنان با کمترین مانع و بیشترین شفافیت محافظت می‌شود (Austin, 2017).

یکی دیگر از مزایای اساسی دادرسی دیجیتال، تسریع روند رسیدگی و افزایش کارایی نظام قضایی است. در سیستم‌های سنتی، تراکم پرونده‌ها و تأخیر در برگزاری جلسات دادگاه موجب طولانی شدن فرآیند رسیدگی به پرونده‌ها، فشار بر قضات و کارکنان و کاهش کیفیت تصمیم‌گیری می‌شود. جلسات دادرسی آنلاین، با انعطاف زمانی بالا، امکان مدیریت بهینه برنامه جلسات و کاهش وقفه‌های غیرضروری را فراهم می‌کنند. به عنوان مثال، قضات می‌توانند در یک روز به چندین پرونده رسیدگی کنند، بدون آن‌که جابه‌جایی‌های طولانی و استراحت‌های بین جلسات وقت آن‌ها را هدر دهد. از سوی دیگر، با دیجیتالی شدن اسناد و مدارک، دسترسی سریع به اطلاعات مرتبط با پرونده‌ها آسان‌تر می‌شود و روند بررسی مدارک و شواهد تسریع می‌شود (Taheri & Nejadhasan, 2022).

این امر نه تنها به کاهش زمان رسیدگی منجر می‌شود، بلکه کیفیت تصمیمات قضایی را نیز افزایش می‌دهد، زیرا قضات با تمرکز بیشتر و اطلاعات کامل‌تر قادر به اتخاذ تصمیمات دقیق‌تر و مستندتر هستند. همچنین کاهش تراکم دادگاه‌ها موجب کاهش فشار روانی و استرس ناشی از حجم بالای پرونده‌ها بر کارکنان قضایی می‌شود و امکان تمرکز بهتر بر جزئیات پرونده‌ها را فراهم می‌کند، که در نهایت به ارتقای عدالت و کارآمدی نظام قضایی می‌انجامد.

یکی از مهم‌ترین مزایای دادرسی دیجیتال، توانایی حفظ عملکرد نظام قضایی در شرایط اضطراری و بحران‌های غیرمنتظره است.

با دیجیتالی شدن دادرسی‌ها، بسیاری از این هزینه‌ها به طور چشمگیری کاهش می‌یابد. پرونده‌ها به شکل الکترونیکی ثبت، نگهداری و مدیریت می‌شوند و نیازی به چاپ، نگهداری فیزیکی یا آرشیو پیچیده مدارک نیست. برگزاری جلسات دادرسی از طریق پلتفرم‌های آنلاین، نه تنها نیاز به فضاهای فیزیکی را کاهش می‌دهد، بلکه امکان صرفه‌جویی در وقت قضات و کارشناسان را فراهم می‌کند (Zadeh Hossein Aliaei, 2018).

این مزیت اقتصادی به ویژه برای کشورهای که منابع مالی محدودی دارند، نقش بسیار حیاتی در تخصیص بهینه بودجه، ارتقای بهره‌وری و تمرکز بر اولویت‌های مهم‌تر قضایی ایفا می‌کند. به علاوه، کاهش هزینه‌ها برای طرفین دعوا نیز باعث کاهش موانع مالی دسترسی به عدالت می‌شود و مشارکت شهروندان در فرآیندهای قضایی را تسهیل می‌کند.

دادرسی دیجیتال نقش مهمی در افزایش عدالت اجتماعی ایفا می‌کند. یکی از موانع عمده دسترسی شهروندان به عدالت در نظام‌های سنتی، محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی است. شهروندان ساکن مناطق دورافتاده یا مناطقی که فاقد دادگاه‌های محلی هستند، برای شرکت در جلسات دادرسی مجبور به صرف زمان طولانی و هزینه‌های بالا هستند و این امر گاهی منجر به نادیده گرفته شدن حقوق قانونی آن‌ها می‌شود. استفاده از دادگاه‌های مجازی، امکان حضور در جلسات را بدون نیاز به سفر و جابه‌جایی فراهم می‌کند و محدودیت‌های زمانی، مانند تداخل با ساعت کاری یا مسئولیت‌های شخصی، عملاً حذف می‌شوند (Austin, 2017).

علاوه بر این، اقشار آسیب‌پذیر مانند سالمندان، افراد دارای معلولیت، بیماران یا کسانی که تحت محدودیت‌های خاص قرار دارند، می‌توانند بدون فشارهای فیزیکی و روانی، از حقوق خود دفاع کنند. این قابلیت به معنای واقعی کلمه عدالت را دموکراتیزه می‌کند و به همه افراد، صرف‌نظر از شرایط جغرافیایی یا اقتصادی،

شکل مطلوب و مؤثر عمل کند. همچنین، مسائل حقوقی و قانونی پیرامون اعتبار اسناد دیجیتال، امضای الکترونیک و ارجاع به قوانین سنتی، نیازمند بازنگری و تنظیم مقررات جدید است تا از تعارضات حقوقی جلوگیری شود. رعایت عدالت روایی و دسترسی برابر به فناوری میان همه طرفین پرونده، همچنان یک چالش مهم در پیاده‌سازی دادرسی دیجیتال محسوب می‌شود.

بازتعریف اصل حضوری بودن در عصر دیجیتال

۱- ضرورت بازتعریف اصل حضوری بودن

اصل حضوری بودن دادرسی کیفری، یکی از پایه‌های کلیدی عدالت قضایی و تضمین‌کننده حقوق اساسی طرفین پرونده است. این اصل سنتی بر حضور فیزیکی متهم، شاکی و سایر افراد دخیل در پرونده در جلسات دادگاه تأکید دارد و به عنوان عاملی حیاتی برای ارزیابی رفتار طرفین، مشاهده واکنش‌ها و زبان بدن و ایجاد فضای شفاف قضایی شناخته می‌شود. حضور فیزیکی همچنین موجب افزایش اعتماد عمومی نسبت به عدالت می‌شود، زیرا مردم می‌توانند مشاهده کنند که روند رسیدگی به پرونده‌ها به صورت علنی و منصفانه انجام می‌شود (Zeraat & Ahmadi, 2014).

با این حال، محدود کردن حضور صرفاً به فضای فیزیکی، با توجه به تحولات سریع فناوری اطلاعات، ناکافی و گاهی غیرکارآمد شده است. امروزه، توسعه ابزارهای ارتباط دیجیتال امن، ویدئوکنفرانس، سامانه‌های مدیریت پرونده‌های الکترونیک و هوش مصنوعی، نشان می‌دهد که امکان انتقال بسیاری از فرآیندهای دادرسی به فضای دیجیتال وجود دارد، بدون این که حقوق طرفین تضییع شود (Mostafavi Ardebili et al., 2022).

تغییر این رویکرد سنتی، نه تنها یک ضرورت فناورانه، بلکه یک الزام عملی و حقوقی است. محدودیت‌های ناشی از حضور فیزیکی، مانند فاصله جغرافیایی، هزینه‌های رفت‌وآمد، مشکلات امنیتی، یا محدودیت‌های ناشی از شرایط اضطراری (مانند

تجربه جهانی در دوران پاندمی کووید-۱۹ نشان داد که دادگاه‌های مجازی می‌توانند نقش حیاتی در استمرار فعالیت‌های قضایی ایفا کنند. در شرایطی که دسترسی فیزیکی به دادگاه‌ها به دلیل محدودیت‌های بهداشتی یا قرنطینه ممکن نبود، جلسات آنلاین اجازه دادند تا رسیدگی به پرونده‌ها بدون وقفه ادامه یابد و حقوق شهروندان محفوظ بماند. این تجربه نشان داد که دادرسی دیجیتال تنها یک ابزار جایگزین در شرایط خاص نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یک بخش اساسی و حیاتی از استراتژی پایداری نظام قضایی در برابر بلایای طبیعی، بحران‌های امنیتی یا اختلالات اقتصادی عمل کند. علاوه بر این، قابلیت برگزاری جلسات آنلاین امکان مدیریت بحران را به دادگاه‌ها می‌دهد، زیرا جلسات می‌توانند با هماهنگی دقیق و به صورت امن و مطمئن برگزار شوند، بدون این که نیاز به حضور فیزیکی باشد (Karimi, 2021).

بنابراین، دادرسی دیجیتال نه تنها یک ابزار تسهیل‌کننده فرآیندها است، بلکه به عنوان یک مکانیسم حیاتی برای حفظ کارکرد مستمر عدالت در مواجهه با شرایط نامطمئن و اضطراری عمل می‌کند.

۴- چالش‌ها و محدودیت‌های دادرسی دیجیتال

با وجود مزایای گسترده، دادرسی دیجیتال با چالش‌ها و محدودیت‌های قابل توجهی همراه است. نخست، امنیت داده‌ها و حفظ محرمانگی اطلاعات یک نگرانی اساسی است. دسترسی غیرمجاز، نفوذ سایبری و سوءاستفاده‌های تکنیکی می‌توانند سلامت پرونده‌ها و اعتماد عمومی به نظام قضایی را تهدید کنند. دوم، محدودیت در ارزیابی رفتار و زبان بدن طرفین، به ویژه متهمان و شهود، ممکن است موجب کاهش دقت و صحت تصمیم‌گیری قضایی شود، زیرا بسیاری از نشانه‌های غیرکلامی در دادرسی سنتی نقش مهمی در قضاوت دارند.

چالش دیگر، نیاز به توسعه زیرساخت‌های فناوری و آموزش قضات، وکلا و کارکنان دادگاه است. بدون تجهیزات مناسب، پهنای باند کافی و دانش فنی لازم، دادرسی دیجیتال نمی‌تواند به

می‌شود. فناوری دیجیتال همچنین امکان ارائه دفاعیات به شکل چندرسانه‌ای را فراهم می‌آورد، به طوری که متهم می‌تواند مستندات تصویری، صوتی، یا داده‌های دیجیتال را به صورت هم‌زمان با ارائه شفاهی در اختیار دادگاه قرار دهد. به این ترتیب، بازتعریف حضوری بودن فراتر از صرفاً حضور فیزیکی است و باید شامل دسترسی فعال، مستمر و مؤثر به فرآیند دادرسی، با استفاده از ابزارهای دیجیتال و حقوقی مناسب باشد. این تحول، می‌تواند در بسیاری از موارد تجربه دفاعی را حتی کارآمدتر و جامع‌تر از حضور سنتی فیزیکی کند، زیرا محدودیت‌های مکانی و زمانی از بین رفته و امکان بازبینی و مستندسازی لحظه‌ای دفاع فراهم می‌شود.

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی اصل حضوری بودن، امکان مشاهده رفتار طرفین و ارزیابی صحت اظهارات آن‌ها است. در دادرسی سنتی، قاضی و سایر طرفین پرونده به ابزارهای غیرکلامی مانند زبان بدن، تغییرات چهره، لحن صدا، نحوه تعامل با مدارک و دیگر رفتارهای غیرکلامی متهم و شاکی متکی بودند. این ابزارها کمک می‌کردند تا صحت شهادت‌ها و اعتبار مدارک بهتر ارزیابی شود و قضاوت عادلانه‌تری شکل گیرد (Zeraat & Ahmadi, 2014). در بستر دیجیتال، این ارزیابی همچنان ممکن است، اما مستلزم استفاده از فناوری‌های پیشرفته است. ویدئوکنفرانس‌های با کیفیت بالا، فناوری‌های ضبط دقیق جلسات، تحلیل‌های رفتاری مبتنی بر هوش مصنوعی و حتی ابزارهای تشخیص حالات چهره می‌توانند امکان بررسی رفتار طرفین را فراهم کنند. علاوه بر این، سامانه‌های دیجیتال باید توانایی ذخیره‌سازی امن و قابل اعتماد محتوا را داشته باشند تا در صورت لزوم برای بررسی‌های بعدی، تجدیدنظر یا استفاده در مراحل تحقیقاتی و قضایی در دسترس باشند. رعایت استانداردهای فنی و حقوقی، از جمله جلوگیری از دستکاری محتوا، احراز هویت دقیق شرکت‌کنندگان و تضمین صحت زمان و مکان برگزاری جلسات، از ملزومات غیرقابل چشم‌پوشی است.

پاندمی‌ها)، اهمیت بازتعریف حضوری بودن را دوچندان می‌کند. بازتعریف این اصل باید به گونه‌ای باشد که با حفظ هسته حقوقی و قضایی، بهره‌گیری از فناوری‌های نوین را تسهیل کند. فناوری دیجیتال می‌تواند نه تنها به عنوان جایگزین حضور فیزیکی، بلکه به عنوان مکمل آن عمل کند، به طوری که امکان دسترسی به عدالت برای همه طرفین پرونده، به ویژه کسانی که حضور فیزیکی برایشان دشوار است، فراهم گردد.

۲- اصول حقوقی در بازتعریف حضوری بودن

یکی از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصولی که در بازتعریف مفهوم حضوری بودن در دادرسی‌های دیجیتال باید مورد توجه قرار گیرد، تضمین کامل حقوق دفاعی متهم است.

در دادرسی سنتی، حضور فیزیکی متهم در جلسات دادگاه صرفاً یک الزام ظاهری نبود؛ بلکه ابزاری برای تحقق حقوق اساسی دفاعی او محسوب می‌شد. متهم از طریق حضور مستقیم، می‌توانست با وکیل خود در تعامل لحظه‌ای قرار گیرد، پاسخ‌ها و اعتراضات خود را به صورت شفاهی مطرح کند، مدارک و مستندات خود را شخصاً ارائه دهد و همچنین از فرصت پرسش و پاسخ با قضات و سایر طرفین پرونده بهره‌مند شود. چنین مشارکتی، نه تنها به متهم امکان می‌داد که دفاع خود را به بهترین نحو سازمان‌دهی و ارائه کند، بلکه موجب می‌شد قاضی و سایر طرفین، واکنش‌های او را به شکل مستقیم مشاهده کرده و در تصمیم‌گیری خود لحاظ کنند (Zeraat & Ahmadi, 2014).

در دادرسی دیجیتال، این اصل باید نه تنها حفظ شود، بلکه با بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری، حتی تقویت و ارتقا یابد. به عنوان مثال، استفاده از پلتفرم‌های امن و معتبر می‌تواند امکان دسترسی متهم به وکیل و مشاوره حقوقی در هر زمان و مکان را فراهم کند. این دسترسی محدود به حضور در جلسات نیست؛ بلکه شامل مشاهده پرونده‌های الکترونیکی، بررسی مدارک دیجیتال و حتی درخواست جلسات مشاوره آنلاین پیش از جلسات رسمی

نباشد. عدم رعایت این اصول، نه تنها حقوق طرفین را نقض می‌کند، بلکه مشروعیت و اعتبار کل نظام قضایی را نیز به شدت تهدید می‌کند (Mirkamali & Hosseini Dastjerdi, 2026).

از این رو، همکاری میان متخصصان فناوری اطلاعات، قضات و کارشناسان امنیت سایبری برای تدوین پروتکل‌ها و استانداردهای امن، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. این همکاری نه تنها تضمین‌کننده اجرای عدالت و حفظ حقوق طرفین، بلکه ضامن ارتقای کیفیت دادرسی، افزایش اعتماد عمومی و ایجاد یک نظام قضایی مدرن، شفاف و پاسخ‌گو در بستر دیجیتال خواهد بود.

۳- چارچوب پیشنهادی برای بازتعریف حضوری بودن

بازتعریف مفهوم «حضوری بودن» در نظام قضایی، نیازمند بازنگری عمیق و چندبعدی در شیوه‌های سنتی دادرسی است تا با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال و نیازهای نوین جامعه همسو شود. در این چارچوب، «حضوری دیجیتال» به معنای مشارکت فعال و مؤثر طرفین پرونده از طریق پلتفرم‌های امن، معتبر و قانونی است، به گونه‌ای که تجربه دادرسی برای آنان تقریباً مشابه حضور فیزیکی باشد.

در این مدل، امکان تعامل مستقیم با قاضی، ارائه دفاعیات کتبی و شفاهی، مشاهده و بررسی دقیق مدارک و مشارکت فعال در جلسات دادرسی فراهم می‌شود. برخلاف دادرسی سنتی که محدودیت‌های مکانی و زمانی در آن محسوس است و افراد باید برای حضور در جلسه دادگاه سفر کنند یا با مشکلات متعدد مرتبط با فاصله و زمان مواجه شوند، حضور دیجیتال می‌تواند با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته، امکانات جدید و ارزشمندی ارائه دهد (Mehrafshan, 2012).

برای مثال، امکان مشاهده هم‌زمان مدارک توسط همه طرفین، اشتراک‌گذاری محتوای چندرسانه‌ای و ضبط دیجیتال مذاکرات نه تنها موجب افزایش شفافیت و دقت در فرآیند دادرسی می‌شود،

این ابزارها و استانداردها تضمین می‌کنند که بازتعریف حضوری بودن، نه تنها از نظر حقوقی معتبر باشد، بلکه از منظر عملی نیز امکان پذیرش عمومی و قضایی داشته باشد (Bahadori, Jahromi & Alipour, 2022).

اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری، به شدت بر شفافیت و قابلیت نظارت فرآیندهای دادرسی مبتنی است. در دادرسی سنتی، شفافیت عمدتاً از طریق حضور فیزیکی، امکان مشاهده مراحل رسیدگی توسط طرفین و گاهی عموم مردم و انتشار عمومی نتایج محدود تأمین می‌شد. اما در دادرسی دیجیتال، فقدان این حضور فیزیکی ممکن است موجب کاهش اعتماد و ایجاد تردید در صحت و عدالت فرآیند شود. از این رو، سامانه‌های دیجیتال باید امکان ثبت دقیق تمامی وقایع، ارائه گزارش‌های شفاف و قابل بررسی و دسترسی کنترل‌شده برای نظارت قضایی و طرفین پرونده را فراهم کنند. انتشار گزارش‌ها، ضبط و آرشیو جلسات و ارائه امکان بازبینی مراحل دادرسی حتی برای کسانی که به صورت دیجیتال حضور داشته‌اند، موجب افزایش حس عدالت و اعتماد عمومی می‌شود. نکته قابل توجه آن است که، اگر این شفافیت دیجیتال به درستی مدیریت شود، می‌تواند حتی از حضور فیزیکی سنتی نیز کارآمدتر باشد، زیرا تمام تعاملات، اظهار نظرها و مستندات به صورت دقیق ثبت و قابل ردیابی خواهند بود و امکان بررسی مجدد جزئیات در هر مرحله فراهم می‌آید (Vaezi et al., 2023).

هیچ نوع حضور دیجیتال بدون تضمین امنیت داده‌ها و محرمانگی اطلاعات، ناقص و غیرقابل قبول خواهد بود. حفظ محرمانگی اطلاعات شخصی متهم، شاکی و شهود، رمزگذاری تمامی ارتباطات، مدیریت دقیق دسترسی‌ها و ثبت بدون خطا و قابل اعتماد رخدادها، پیش‌نیازهای اجرای عدالت دیجیتال هستند. سامانه‌های دادرسی دیجیتال باید به گونه‌ای طراحی شوند که هیچ گونه سوءاستفاده، نشت اطلاعات یا تغییر غیرمجاز در محتوا ممکن

یکی از اصلی‌ترین الزامات بازتعریف حضوری بودن، تضمین اصالت، محرمانگی و قابلیت استناد قانونی اسناد دیجیتال است. اسنادی که از طریق سامانه‌های دیجیتال ارائه می‌شوند باید به همان اندازه اسناد فیزیکی معتبر باشند و بتوانند در دادگاه به عنوان مدرک قانونی مورد استفاده قرار گیرند. برای تحقق این هدف، سامانه‌های مدیریت پرونده دیجیتال باید توانایی ثبت دیجیتال مدارک با مهر زمانی، رمزگذاری قوی، مدیریت دسترسی کاربران مجاز و نظارت قانونی و قضایی بر مدارک را داشته باشند. علاوه بر این، دستورالعمل‌های روشن و دقیق برای مدیریت، نگهداری و دسترسی به اسناد دیجیتال ضروری است. این دستورالعمل‌ها باید شامل فرآیندهای ارزیابی اعتبار مدارک، تأیید صحت محتوای آن‌ها، ثبت تاریخ و زمان هر تغییر و ایجاد سیستم‌های کنترل دسترسی باشند. بدون چنین سیستم‌های امنیتی و نظارتی، احتمال دستکاری مدارک، سوءاستفاده یا نقض محرمانگی اسناد بالا می‌رود و اعتبار دادرسی دیجیتال تحت تأثیر قرار می‌گیرد. به علاوه، ایجاد سامانه‌هایی که قابلیت بازخوانی و بررسی دقیق اسناد دیجیتال را حتی پس از سال‌ها داشته باشند، می‌تواند ارزش قانونی این مدارک را تضمین کند و امکان پیگیری قانونی و استناد به آن‌ها در مراحل بعدی پرونده را فراهم سازد (Teymouri, 2026).

موفقیت حضور دیجیتال و جلسات ترکیبی، مستلزم تدوین استانداردهای مشترک و جامع در حوزه فناوری و حقوق است. این استانداردها باید شامل کیفیت تصویر و وضوح صوت، امنیت سایبری، حفظ حریم خصوصی، دسترسی برابر برای همه طرفین و آموزش مستمر کاربران، وکلا و قضات باشند. بدون تعریف روشن و قابل پیگیری این استانداردها، حضور دیجیتال ممکن است ناقص، ناکارآمد یا حتی تهدیدی برای عدالت تلقی شود. آموزش مداوم قضات و وکلا برای آشنایی با ابزارها و پلتفرم‌های دیجیتال، الزامات حقوقی مرتبط، نحوه تعامل در محیط‌های آنلاین و مدیریت اسناد دیجیتال، نقش کلیدی در موفقیت این مدل دارد.

بلکه امکان بازبینی و استفاده از مدارک برای بررسی‌های بعدی را نیز فراهم می‌آورد. همچنین، حضور دیجیتال می‌تواند تجربه دادرسی را برای افرادی که محدودیت‌های جسمی، مالی یا جغرافیایی دارند، قابل دسترس‌تر کند و نقش مؤثری در کاهش نابرابری‌ها و افزایش عدالت اجتماعی ایفا نماید.

جلسات ترکیبی، یکی از مهم‌ترین مدل‌ها در بازتعریف حضوری بودن، به معنای تلفیق حضور فیزیکی و دیجیتال در یک جلسه دادرسی است. این مدل امکان حضور هم‌زمان افرادی را که می‌توانند به صورت فیزیکی در دادگاه حاضر شوند و افرادی را که از راه دور و به صورت دیجیتال مشارکت می‌کنند، فراهم می‌آورد. چنین مدلی به ویژه در پرونده‌های پیچیده، پرونده‌های بین‌المللی و پرونده‌هایی که نیاز به حضور متخصصان یا شاهدان خارجی دارند، اهمیت پیدا می‌کند، چرا که دسترسی فیزیکی به دادگاه برای همه طرفین ممکن نیست یا بسیار هزینه‌بر و زمان‌بر است. جلسات ترکیبی، ضمن حفظ تجربه حضوری سنتی برای افراد حاضر در محل، امکان مشارکت فعال و مؤثر از راه دور را نیز فراهم می‌آورد و به نوعی محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی را از میان برمی‌دارد. در این چارچوب، هماهنگی میان حضور فیزیکی و دیجیتال، مدیریت هم‌زمانی جلسات و تضمین کیفیت تعامل بین افراد حضوری و غیرحضوری، نیازمند تدوین استانداردهای فناورانه، آموزشی و اجرایی دقیق است (Bahadori Jahromi & Alipour, 2022).

این استانداردها شامل نحوه اتصال امن به پلتفرم، مدیریت زمان‌بندی ارائه دفاعیات، حفظ کیفیت صوت و تصویر و تعیین قوانین رفتار و تعاملات آنلاین می‌شود. علاوه بر این، زیرساخت‌های ارتباطی و امنیتی باید به گونه‌ای طراحی شوند که اختلالات فنی، حملات سایبری یا مشکلات شبکه موجب اختلال در روند دادرسی و نقض حقوق طرفین نشود.

این آموزش‌ها باید شامل شبیه‌سازی جلسات دادرسی دیجیتال، تمرین بررسی مدارک آنلاین و آشنایی با پروتکل‌های امنیتی باشد. بدون چنین آمادگی و آگاهی، فناوری ممکن است به جای تقویت عدالت، موجب افزایش خطاهای قضایی و بی‌اعتمادی عمومی شود. علاوه بر آموزش، نظارت مستمر بر عملکرد سامانه‌ها و بازخوردگیری از کاربران نیز برای اصلاح فرآیندها و ارتقای کیفیت دادرسی دیجیتال ضروری است (Habibi Dargah, 2023).

بازتعریف حضوری بودن و توسعه دادرسی دیجیتال، فرصتی بی‌سابقه برای تحول بنیادین در نظام قضایی ایجاد می‌کند. حضور دیجیتال و جلسات ترکیبی می‌تواند سرعت رسیدگی به پرونده‌ها را افزایش دهد، هزینه‌های مربوط به سفر، اقامت و مدیریت پرونده‌ها را کاهش دهد و دسترسی به عدالت را برای تمامی اقشار جامعه، به ویژه افراد در مناطق دورافتاده یا کسانی که محدودیت‌های جسمی یا مالی دارند، تسهیل کند. با این حال، موفقیت این تحول نیازمند پایش مستمر، جمع‌آوری بازخورد از کاربران و اصلاح قوانین و مقررات متناسب با فناوری‌های نوین است. آینده دادرسی‌های دیجیتال در گرو ایجاد تعادلی پویا میان نوآوری فناوری و رعایت دقیق حقوق طرفین است. تنها با تحقق این تعادل می‌توان اطمینان حاصل کرد که عدالت، اعتماد عمومی و مشروعیت نظام قضایی همچنان حفظ شود و دادگاه‌ها قادر باشند در عصر دیجیتال به نیازهای پیچیده و متنوع جامعه پاسخ دهند. این تحول همچنین فرصتی برای توسعه نوآوری‌های بیشتر، از جمله هوش مصنوعی در تحلیل پرونده‌ها، سیستم‌های پیش‌بینی جریان دادرسی و بهبود شفافیت و نظارت عمومی فراهم می‌کند، به شرط آن‌که همواره حقوق و حریم خصوصی افراد رعایت شود.

پیامدهای حقوقی و آینده دادرسی کیفری

۱- تأثیر بر حقوق متهم

تحول دیجیتال و ورود فناوری‌های نوین به فرآیندهای قضایی، یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین ابعاد دادرسی کیفری را تحت تأثیر

قرار داده است. حقوق متهم، به عنوان یکی از ارکان اساسی عدالت کیفری، همواره با محوریت اصل حضوری بودن دادرسی شکل گرفته است. این اصل که ریشه در سنت‌های دیرینه حقوق کیفری دارد، بر حضور فیزیکی متهم در جلسات دادرسی تأکید می‌کند تا او بتواند شواهد ارائه‌شده علیه خود را مستقیماً مشاهده کند، از حق خود برای دفاع استفاده نماید و در تعامل مستقیم با دادگاه و وکیل خویش قرار گیرد. حضور فیزیکی متهم، نه تنها به نهاد قضایی امکان ارزیابی رفتار، زبان بدن و واکنش‌های او را می‌دهد، بلکه تضمینی برای رعایت عدالت فرآیندی و مقابله با هرگونه سوءاستفاده احتمالی از قدرت قاضی یا سوءتفاهم‌های حقوقی فراهم می‌آورد (Khalouei Tafti, 2021).

با این حال، ظهور فناوری‌های دیجیتال و ابزارهای نوین، از جمله دادگاه‌های مجازی، سامانه‌های مدیریت الکترونیک پرونده‌ها و سیستم‌های ویدئوکنفرانس، این سنت دیرینه را با چالش‌ها و فرصت‌های تازه‌ای مواجه کرده است. امروزه متهم می‌تواند بدون حضور فیزیکی در دادگاه، با استفاده از ابزارهای آنلاین از حق دفاع خود بهره‌مند شود. دسترسی به مستندات پرونده به صورت دیجیتال، امکان مشاهده اسناد و مدارک به شکل آنی و ارتباط مستقیم با وکیل از راه دور، به متهم این فرصت را می‌دهد که دفاع خود را به نحو مؤثری ارائه کند، حتی اگر در منطقه‌ای دورافتاده یا خارج از حوزه قضایی قرار داشته باشد (Mehrafshan, 2012). این تحول نه تنها محدودیت‌های جغرافیایی و زمانی متهم را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه تحقق اصل برابری و عدالت را در سطحی گسترده‌تر فراهم می‌آورد، زیرا تمامی طرفین دعوی، صرف نظر از موقعیت مکانی، می‌توانند در فرآیند دادرسی حضور مؤثر داشته باشند.

۲- تأثیر بر نظام قضایی

تحول دیجیتال در دادرسی کیفری، نه تنها یک تغییر تکنولوژیک یا ابزاری است، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان یک تحول ساختاری

مدارک دیجیتال است. علاوه بر آن، ضعف در زیرساخت‌های شبکه، مشکلات نرم‌افزاری و عدم هماهنگی بین سامانه‌های مختلف قضایی می‌تواند موجب کندی رسیدگی، کاهش اعتماد قضات و وکلا و افزایش ریسک خطاهای قضایی شود (Zarkalam, 2012).

بنابراین، آموزش قضات و کارکنان دادگاه در زمینه فناوری‌های نوین، امنیت سایبری، ارزیابی مستندات دیجیتال و اصول حقوقی مرتبط با داده‌ها، به یک ضرورت حیاتی تبدیل شده است. این آموزش‌ها باید شامل روش‌های حفاظت از داده‌ها، ارزیابی صحت و اعتبار مدارک دیجیتال و تسلط بر ابزارهای تحلیل و مدیریت پرونده‌های الکترونیک باشد.

علاوه بر آموزش و زیرساخت‌های فناوری، تدوین استانداردها و پروتکل‌های دقیق برای پذیرش مستندات دیجیتال، نحوه ثبت و ضبط جلسات و چارچوب تعامل بین طرفین دعوی، اهمیت بسیاری دارد. این استانداردها باید شفاف و یکسان باشند تا از بروز بی‌عدالتی و نابرابری جلوگیری کنند. به عنوان مثال، باید مشخص شود که کدام نوع مستندات دیجیتال قابل پذیرش است، چگونه باید اصالت و صحت آن‌ها تأیید شود، چه روش‌هایی برای ذخیره‌سازی امن وجود دارد و چه فرایندهایی برای جلوگیری از تغییر یا حذف داده‌ها در نظر گرفته شده است. هماهنگی این پروتکل‌ها با معیارهای بین‌المللی نه تنها اعتبار دادگاه‌های مجازی را افزایش می‌دهد، بلکه اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌کند. تحول دیجیتال در دادرسی کیفری هم فرصت‌ها و هم چالش‌های جدی ایجاد می‌کند. این تحول می‌تواند کارایی نظام قضایی را افزایش دهد، سرعت رسیدگی را بالا ببرد، کیفیت تصمیمات قضایی را ارتقا دهد و شفافیت و عدالت را تقویت کند (Habibi Dargah, 2023).

اما در عین حال، بدون برنامه‌ریزی دقیق، آموزش مستمر، امنیت سایبری قوی و تدوین استانداردهای حقوقی و عملیاتی، ممکن

و سیستمی در کل نظام قضایی تلقی کرد. این فرآیند باعث بازتعریف نقش قاضی، وکیل، دادسرا و کارکنان دادگاه شده و چارچوب تعامل بین طرفین دعوی را دستخوش تغییرات اساسی می‌کند. یکی از ابعاد مهم این تحول، بازمهندسی روند رسیدگی به پرونده‌ها است؛ به طوری که مدیریت پرونده‌ها دیگر محدود به اسناد فیزیکی و زمان‌بر بودن جست‌وجو و ارجاع بین واحدها نیست، بلکه با استفاده از سیستم‌های الکترونیک، جریان کار پرونده‌ها شفاف، قابل ره‌گیری و قابل ارزیابی در هر لحظه است. این دسترسی لحظه‌ای و ساختاریافته به اطلاعات، به طور قابل توجهی موجب کاهش تراکم پرونده‌ها در محاکم شده و فشارهای سنتی ناشی از تأخیر در رسیدگی را کاهش می‌دهد.

سیستم‌های مدیریت پرونده الکترونیک، با فراهم آوردن دسترسی فوری قضات به مستندات، شواهد دیجیتال، سوابق مرتبط و حتی سوابق مشابه پرونده‌های گذشته، امکان تحلیل دقیق‌تر و جامع‌تر را فراهم می‌کنند. این ابزارها، فراتر از صرفاً کاهش زمان رسیدگی، به قضات اجازه می‌دهند که از داده‌ها و الگوهای آماری برای پیش‌بینی روند پرونده، ارزیابی اعتبار شواهد و تشخیص نقاط کلیدی دعوی استفاده کنند. برای مثال، بررسی تطبیقی سوابق مشابه یا شواهد دیجیتال می‌تواند موجب تشخیص سریع‌تر تضادهای تناقض‌ها و مدارک مشکوک شود. علاوه بر این، با کاهش بار کاری و وقت صرفه‌جویی شده، قضات می‌توانند تمرکز بیشتری بر تحلیل حقوقی، استدلال‌های منطقی و ارزیابی کیفیت دفاعیات داشته باشند؛ موضوعی که به شکل مستقیم کیفیت تصمیمات قضایی و عدالت را ارتقا می‌دهد (Abdollahi, 2016).

با این حال، دستیابی به این سطح از کارایی مستلزم زیرساخت‌های فناوری پیشرفته و امن است. هرگونه اجرای سیستم‌های دیجیتال بدون ایجاد بسترهای فنی مطمئن، می‌تواند با خطرات جدی مواجه شود. این خطرات شامل نقض محرمانگی اطلاعات، دسترسی غیرمجاز، حملات سایبری هدفمند، دستکاری داده‌ها و حتی جعل

فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی و تحلیل داده‌های قضایی، می‌توانند نقش مهمی در بهبود تصمیم‌گیری قضایی و پیش‌بینی بار پرونده‌ها داشته باشند. این فناوری‌ها امکان شناسایی پرونده‌های پیچیده، اولویت‌بندی رسیدگی و ارائه مشاوره قضایی را فراهم می‌آورند و می‌توانند باعث ارتقای شفافیت و پاسخ‌گویی قضات شوند. با این حال، استفاده از فناوری‌های پیشرفته باید با رعایت اصول اخلاقی، تضمین حقوق بشر و شفافیت کامل همراه باشد تا از هرگونه تبعیض یا نقض حقوق متهم جلوگیری شود (Abozari & Shafiei, 2020).

تحولات دیجیتال در دادرسی کیفری، نمایانگر تغییرات ساختاری و بنیادین در نظام قضایی هستند. این تغییرات ضمن حفظ عدالت فرآیندی، کاهش هزینه‌ها و محدودیت‌های جغرافیایی، به توسعه عدالت دسترسی‌پذیر کمک می‌کنند و امکان بهره‌وری بیشتر قضات و کاهش تراکم پرونده‌ها را فراهم می‌آورند. با این حال، تحقق کامل این اهداف منوط به ایجاد زیرساخت‌های فناورانه، آموزش جامع قضات و تدوین چارچوب قانونی منسجم و دقیق است. دادرسی دیجیتال نه تنها می‌تواند اصل حضوری بودن را به شکل نوین حفظ کند، بلکه افق جدیدی از عدالت، شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام قضایی ایجاد می‌نماید. آینده دادرسی کیفری در عصر دیجیتال، تلفیقی از فناوری و حقوق است که باید با رعایت دقیق اصول عدالت، تضمین حقوق متهم و ارتقای کارآمدی نظام قضایی پیش رود. چنین تحولی، به توسعه عدالت فراملی، افزایش اعتماد عمومی، کاهش فساد و پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای جامعه کمک کرده و مسیر رسیدن به یک نظام قضایی هوشمند، شفاف و مؤثر را هموار می‌سازد. به طور خلاصه، دادرسی دیجیتال نه تنها تغییر در روش رسیدگی به پرونده‌ها، بلکه بازتعریف اصل عدالت و نحوه تحقق حقوق متهمان در نظام کیفری است.

است خود به منبع تهدید برای عدالت و اعتماد عمومی تبدیل شود. بنابراین، همگام‌سازی فناوری با اصول حقوقی و اخلاقی، توسعه زیرساخت‌های ایمن و آموزش جامع قضات و کارکنان، از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های موفقیت دادرسی دیجیتال محسوب می‌شود و بدون آن‌ها، دستیابی به اهداف عدالت کیفری در فضای دیجیتال به شدت دشوار خواهد بود.

۳- چشم‌انداز آینده دادرسی کیفری

چشم‌انداز آینده دادرسی کیفری، در پرتو توسعه فناوری‌های دیجیتال، نویدبخش تحولی بنیادین در رویکردهای سنتی قضایی است. دادگاه‌های مجازی و ابزارهای دادرسی دیجیتال، این امکان را فراهم می‌کنند که اصل حضوری بودن دادرسی حفظ شود، اما به شکلی منعطف و نوآورانه که محدودیت‌های فیزیکی و جغرافیایی را از میان برمی‌دارد. به بیان دیگر، آینده دادرسی کیفری بیش از آن‌که بر حضور فیزیکی تأکید داشته باشد، بر حضور مؤثر و مشارکت فعال متهم در فرآیند دادرسی تمرکز می‌کند. این حضور مؤثر، شامل دسترسی به مستندات، امکان استماع دفاعیات و تعامل مستقیم با وکیل است و معیار واقعی رعایت حقوق متهم محسوب می‌شود (Habibi Dargah, 2023).

توسعه چارچوب قانونی و دستورالعمل‌های عملیاتی، نقش کلیدی در موفقیت دادرسی دیجیتال دارد. قوانین موجود باید با فناوری‌های نوین هماهنگ شوند و محدوده‌های مسئولیت، نحوه ارائه مستندات دیجیتال، امنیت اطلاعات و دسترسی متهم به حمایت قانونی را مشخص کنند. تدوین دستورالعمل‌های عملیاتی، استانداردهای بین‌المللی و راهنماهای اجرایی، امکان اجرای یکنواخت دادرسی دیجیتال و افزایش اعتماد عمومی را فراهم می‌کند. همچنین، بررسی تجارب بین‌المللی دادگاه‌های مجازی و مطالعه تطبیقی سیستم‌های قضایی موفق، می‌تواند برای شکل‌دهی چارچوب قانونی و بهینه‌سازی روندهای دادرسی دیجیتال مفید باشد.

پیاده‌سازی چارچوب‌های قانونی و عملیاتی برای بازتعریف حضوری بودن، به ویژه در ایران، مستلزم تدوین دستورالعمل‌های دقیق برای تضمین امنیت و محرمانگی اطلاعات، آموزش تخصصی قضات و توسعه زیرساخت‌های فناورانه است. این پژوهش نشان می‌دهد که دادرسی دیجیتال می‌تواند ضمن رعایت حقوق متهم و شاکی، موجب کاهش محدودیت‌های جغرافیایی و هزینه‌ای، افزایش انعطاف‌پذیری نظام قضایی و تسهیل برگزاری جلسات حتی در شرایط بحرانی مانند پاندمی‌ها شود. از سوی دیگر، شفافیت، قابلیت استناد مدارک دیجیتال و حفظ تعامل مستقیم میان طرفین و قاضی، نقاط کلیدی برای تحقق عدالت در این محیط جدید هستند. بنابراین، بازتعریف اصل حضوری بودن، نه تنها پاسخ‌گوی تغییرات فناورانه است، بلکه می‌تواند پایه‌ای برای توسعه نظام قضایی پویا، منعطف و متناسب با الزامات عصر دیجیتال باشد؛ نظامی که در آن عدالت کیفری، بهره‌وری قضایی و اعتماد عمومی به یکدیگر پیوند می‌خورند و دادرسی دیجیتال به عنوان مکمل و تقویت‌کننده حضور فیزیکی، نقش مؤثری در تحقق عدالت جامع ایفا می‌کند.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The principle of presence in criminal proceedings has long been recognized as one of the core guarantees of procedural justice because it secures transparency, strengthens public confidence in adjudication, and protects the accused's opportunity to participate meaningfully in the determination of criminal liability. In its conventional sense, this principle presupposes the physical presence of the judge, the accused, the complainant, and other relevant participants at the hearing, thereby allowing direct

بازتعریف اصل حضوری بودن دادرسی کیفری در پرتو تحول دادرسی‌های دیجیتال و دادگاه‌های مجازی، نمایانگر تحولی بنیادین در نظام عدالت کیفری است که امکان هم‌سویی با پیشرفت‌های فناورانه و نیازهای نوین جامعه را فراهم می‌آورد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مفهوم سنتی حضور فیزیکی صرف، دیگر پاسخ‌گوی الزامات عصر دیجیتال نیست و جای خود را به «حضور دیجیتال» و «جلسات ترکیبی» داده است که ضمن رعایت اصول اساسی حقوق دفاعی متهم، امکان تعامل مستقیم طرفین با قاضی، ارزیابی شواهد و رفتارها و تضمین شفافیت قضایی را فراهم می‌آورد. تجربه بین‌المللی کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده، آلمان و بریتانیا نیز تأیید می‌کند که بسترهای امن دیجیتال، همراه با استانداردهای حقوق بشر و تضمین اصالت مدارک الکترونیکی، قادرند اصل حضوری بودن را به شکلی نوین و کارآمد حفظ کنند و از این طریق هم عدالت کیفری تضمین شود و هم بهره‌وری نظام قضایی ارتقا یابد. در نتیجه، بازتعریف حضوری بودن دادرسی نه تنها با اصول بنیادین قضایی تعارض ندارد، بلکه می‌تواند آن‌ها را تقویت کرده و زمینه‌ای برای دسترسی عادلانه‌تر به عدالت، کاهش تراکم پرونده‌ها و افزایش اعتماد عمومی به دستگاه قضایی فراهم آورد.

communication, immediate observation of evidence, and real-time engagement with claims, objections, and defenses. In both domestic legal systems and broader human rights discourse, presence has been associated with the right to be heard, the right to defend oneself effectively, and the broader legitimacy of the adjudicative process. The doctrinal value of this principle lies not merely in ceremonial attendance, but in its substantive contribution to fairness: it enables the court to evaluate the conduct of participants directly, minimizes the risk of one-sided decision-

making based solely on written materials, and symbolically affirms the dignity of litigants as persons entitled to be heard before judgment is rendered. For this reason, the principle of presence has been understood as both a procedural rule and an ethical commitment embedded in the architecture of criminal justice (Zeraat & Ahmadi, 2014). At the same time, recent developments in information and communication technologies have challenged the assumption that meaningful participation must always take place in a shared physical courtroom. The emergence of digital procedure, online platforms, remote hearings, and virtual courts has introduced new modes of interaction that can replicate many of the core functions of traditional in-person proceedings while also expanding access, reducing delay, and increasing institutional efficiency (Khosh Solouk, 2024; Nosrati Bigzadeh, 2026). As a result, the contemporary legal question is no longer whether presence matters, but how its underlying normative content should be redefined in order to remain effective in an era of digital justice.

From a doctrinal and philosophical standpoint, the legal foundations of presence in criminal proceedings are tied to the protection of defense rights, adversarial fairness, and judicial immediacy. The accused must be able to hear the allegations, confront the evidentiary basis of the case, communicate with counsel, respond to judicial questioning, and present explanations in a form that the court can evaluate directly. The practical significance of this principle becomes even more pronounced in criminal matters, where judicial error may affect liberty, reputation, and fundamental rights. Traditional legal thought has therefore treated in-person proceedings as a safeguard against arbitrariness and an essential means through which the judge acquires a richer understanding of the case by observing tone, hesitation, confidence, emotional reaction,

and other nonverbal indicators relevant to credibility and context (Zeraat & Ahmadi, 2014). Presence also serves institutional interests by increasing the transparency of adjudication and reducing the likelihood that litigants perceive the process as remote, inaccessible, or opaque. Yet the same legal tradition does not require a rigid attachment to form when the substance of the guarantee can be preserved through new means. Modern scholarship on electronic procedure suggests that the essential aim of procedural design is not the preservation of physicality as an end in itself, but the preservation of fair participation, equality of arms, and reliable judicial assessment under transformed technological conditions (Bahadori Jahromi & Alipour, 2022; Mostafavi Ardebili et al., 2022). In this sense, the reinterpretation of presence must distinguish between physical co-location and effective procedural participation. Once this distinction is made, the legal system can begin to assess whether digitally mediated participation, if structured securely and fairly, can satisfy the same normative objectives historically associated with face-to-face hearings.

Digital procedure and virtual courts should therefore be understood not as merely technical innovations, but as structural transformations in the administration of justice. In conceptual terms, digital procedure refers to the systematic use of digital tools across the full range of adjudicative functions, including complaint filing, service of documents, exchange of pleadings, case management, remote hearings, evidentiary presentation, judgment issuance, and archival storage (Vojdani et al., 2022). Virtual courts represent the operational realization of this transformation by creating an online forum in which many or all functions of the traditional courtroom are performed electronically, often through secure platforms for video conferencing, digital authentication,

encrypted transmission, and controlled access to case files (Zadeh Hossein Aliaei & Ahmadi, 2018). The appeal of this model is substantial. It reduces travel and administrative costs, widens participation for persons in remote or underserved locations, preserves continuity during emergencies such as pandemics or other disruptions, and facilitates the management of heavy caseloads through more efficient scheduling and document handling (Ebrahimi, 2016; Izadifard et al., 2022; Mohseni, 2016). In addition, digital systems can improve document security and retrieval, support recording and review of hearings, and enable more transparent and traceable case administration than many paper-based systems (Gharehbagh, 2021; Taheri & Nejadhasan, 2022). Some studies also suggest that artificial intelligence and advanced analytics may enhance judicial administration by assisting with case organization, identifying patterns, and improving the efficiency of procedural workflows, provided that judicial independence and fairness remain fully protected (Abozari & Shafiei, 2020). Nonetheless, these advantages do not eliminate concern. Digital justice also creates risks involving cybersecurity, unequal access to technology, diminished perception of courtroom solemnity, challenges in assessing demeanor remotely, and uncertainty regarding the authenticity and admissibility of digital evidence (Khalouei Tafti, 2021; Zarkalam, 2012). These tensions make redefinition, rather than simple replacement, the central task of legal reform.

A contemporary reinterpretation of the principle of presence must therefore be grounded in several interrelated legal standards. First, any digital model must preserve the accused's defense rights in a fully functional sense by ensuring continuous and confidential communication with counsel, real-time access to case materials, the capacity to object and respond during hearings, and the

opportunity to present oral and documentary defenses effectively (Mostafavi Ardebili et al., 2022). Second, the model must preserve the court's capacity for meaningful assessment. Although remote proceedings may limit some aspects of direct observation, high-quality audiovisual systems, secure recording, identity verification, and carefully designed hearing protocols can preserve much of the evaluative function traditionally associated with physical presence (Bahadori Jahromi & Alipour, 2022). Third, transparency must remain central. Digital proceedings should generate reliable records, reviewable hearing archives, and auditable procedural trails so that litigants, reviewing courts, and the public can maintain confidence in the fairness of adjudication (Vaezi et al., 2023). Fourth, data security and confidentiality are indispensable. The legitimacy of digital criminal justice depends on strong encryption, access control, secure storage, and safeguards against unauthorized intrusion, manipulation, or disclosure of sensitive information (Mirkamali & Hosseini Dastjerdi, 2026; Teymouri, 2026). These requirements support a new concept that may be described as digital presence: a form of legally recognized participation in which the parties are not physically co-located but are able, through secure and interactive systems, to engage with the court and one another in a manner substantively equivalent to the essential guarantees of traditional attendance. Within this framework, hybrid hearings are especially important because they combine physical and digital participation, allowing courts to maintain flexibility while accommodating the needs of vulnerable participants, distant witnesses, experts, and complex multi-party proceedings (Habibi Dargah, 2023; Mehrafshan, 2012). Properly designed, such models do not abolish the principle of presence but recalibrate it around function rather than location.

The legal implications of this transformation are significant for both defendants' rights and institutional judicial performance. For defendants, digital proceedings may reduce geographical and financial barriers, facilitate faster access to counsel and documents, and allow participation even where travel, health, disability, or distance would otherwise impede effective defense (Mehrafshan, 2012). At the same time, these benefits depend on equal technological access and must not create a two-tier system in which parties with better connectivity, equipment, or digital literacy enjoy superior procedural opportunities. For the judiciary, digital transformation offers the possibility of more transparent case tracking, faster document circulation, more efficient hearing management, and better use of judicial time and administrative resources (Abdollahi, 2016; Karimi, 2021). Electronic case management systems can reduce backlog pressure and improve the availability of information relevant to adjudication, but they also require uniform standards for digital evidence, staff training, interoperability of systems, and reliable cybersecurity infrastructure (Esmaeiltabar, 2024; Habibi Dargah, 2023). The future of criminal procedure is therefore likely to depend on the ability of legal systems to integrate technological innovation with procedural ethics. Comparative experience suggests that digital justice succeeds when it is accompanied by clear statutory frameworks, operational guidelines, authentication rules, technical minimum standards, and ongoing judicial education (Austin, 2017; Maghsoudpour & Motaqi Shahri, 2022). In that sense, the future courtroom will not be defined solely by screens or software, but by whether it can maintain due process, equality of arms, evidentiary reliability, and public legitimacy under new technological conditions (Mirkamali & Hosseini Dastjerdi, 2026; Nosrati Bigzadeh, 2026).

In conclusion, the redefinition of the principle of presence in criminal proceedings should be understood as a normative adaptation rather than a departure from fundamental justice. The digital transformation of procedure demonstrates that the true essence of presence lies in meaningful participation, effective defense, judicial immediacy, transparency, and trust, not merely in the physical gathering of participants within a courthouse. Virtual and hybrid hearings can preserve these objectives when they are supported by secure infrastructure, fair procedural design, careful legal regulation, and sustained institutional oversight. Under such conditions, digital procedure becomes capable of strengthening rather than weakening the values historically protected by the principle of presence. The most persuasive future model is therefore one in which criminal justice systems move beyond a narrow equation of presence with physical attendance and instead adopt a broader, function-oriented understanding that protects rights, expands access, and enhances institutional resilience. Such a model allows the criminal process to remain faithful to its foundational commitments while responding intelligently to the demands of the digital age.

References

- Abdollahi, A. M. (2016). *Electronic Courts and Litigation Methods in Virtual Space* Islamic Azad University, Shahroud Branch].
- Abozari, M., & Shafiei, M. R. (2020). *Judicial Application of Artificial Intelligence*. Mizan.
- Austin, C. (2017). *Online Dispute Resolution* Victoria University of Wellington].
- Bahadori Jahromi, A., & Alipour, M. R. (2022). Legal Principles and Requirements Governing Judicial Litigation Technologies. *Justice Legal Journal*, 86(117).
- Ebrahimi, M. (2016). *Feasibility of Using Cyberspace in Criminal Procedure* University of Qom].
- Esmaeiltabar, H. (2024). *The Role of Electronic Technology and the Internet in the Criminal Justice System* University of Mazandaran].
- Gharehbagh, P. (2021). *A Comparative Study of Traditional and Electronic Service of Process in the Iranian and French Codes of Civil Procedure* Razavi Higher Education Institute].

- Habibi Dargah, B. (2023). Principles Governing Electronic Civil Procedure and Its Challenges. *Economic and Commercial Legal Research*, 1(3).
- Izadifard, A. A., Yari, E., Pakzad, M., & Taleghan Ghafari, M. (2022). Feasibility of Public Hearings in Virtual Space. *Islamic Law Research Journal*, 23(3).
- Karimi, M. (2021). The Impact of Information Technology on Judicial Proceedings. *Ara Scientific Quarterly*, 4(7).
- Khalouei Tafti, S. J. (2021). *An Analysis of the Legal Foundations and Effects of Electronic Procedure in the Iranian Legal System* Islamic Azad University, Rafsanjan Branch].
- Khosh Solouk, M. (2024). *Electronic Procedure in the Iranian Judicial System and the Use of Artificial Intelligence in Electronic Procedure* Nineteenth International Conference on Management and Humanities Research in Iran, Tehran.
- Maghsoudpour, R., & Motaqi Shahri, S. (2022). Requirements and Grounds for Electronic Civil Procedure in Iranian and American Law. *Research and Studies in Islamic Sciences*, 4(35).
- Mehrafshan, A. (2012). Virtual Procedure: A New Concept in Judicial Justice. *Studies in Islamic Jurisprudence and Law*, 3(5).
- Mirkamali, S. A., & Hosseini Dastjerdi, S. M. (2026). Transformation of Criminal Procedure in Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies. *Legal Civilization Quarterly*, 8(25).
- Mohseni, H. (2016). *French Civil Procedure*. Sherkat-e Sahami-ye Enteshar.
- Mostafavi Ardebili, S. M., Taghizadeh Ansari, M., & Rahmatifar, S. (2022). Functions and Requirements of Artificial Intelligence from the Perspective of Fair Trial. *Journal of New Technologies Law*, 3(6).
- Nosrati Bigzadeh, A. (2026). Challenges and Mechanisms of Electronic Procedure. *Ayesh-e Hoghoogh Quarterly*, 7(7).
- Taheri, H., & Nejadhasan, A. (2022). *Online Procedure: Advantages and Disadvantages* Seventh International Conference on Islamic Sciences, Religious Research, and Law, Tehran.
- Teymouri, A. (2026). *The Impact of Electronic Criminal Proceedings on the Privacy and Confidentiality of Defendants' Information in the Iranian Judicial System* Twenty-First International Conference on Legal and Judicial Studies,
- Vaezi, N., Khandani, S. P., & Khaleghian, J. (2023). Principles and Benefits of Transparency in Electronic Judicial Proceedings with a View to Iranian and American Law. *Iranian Political Sociology Monthly*, 5(11).
- Vojdani, E., Mohammadi, S., & Hosseini Moghadam, S. H. (2022). Challenges of Implementing Electronic Procedure in Iranian Law from the Perspective of Fair Trial and the Rights of Litigants. *Private Law Studies*, 52(11).
- Zadeh Hossein Aliaei, Z. (2018). *Electronic Procedure in the Iranian Criminal Justice System*. Majd.
- Zadeh Hossein Aliaei, Z., & Ahmadi, A. (2018). Electronic Procedure in Iranian Law: Objectives, Foundations, and Characteristics. *Private and Criminal Legal Research (Encyclopedia of Law and Politics)*, 14(35).
- Zarkalam, S. (2012). Electronic Proceedings: Necessities, Requirements, and Challenges. *Criminal Law Teachings*, 9(3).
- Zeraat, A., & Ahmadi, A. (2014). Foundations and Effects of the Principle of Presence in Criminal Proceedings. *Criminal Law Research Journal*, 5(2), 111-137.